

بررسی انحلال قراردادهای الکترونیکی با نگاهی به بیع الکترونیکی (خرید و فروش کالا) در حقوق

ایران

حسن امیرقاسمی^۱، احمد یوسفی صادقلو^{۲*}، مجتبی اصغریان^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

^۳ استاد یار، گروه حقوق، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

Examining the dissolution of electronic contracts with a view to electronic sales (buying and selling goods) in Iranian law

Hassan AmirGhasemi¹, Ahmad Yousefi Sadeghlou^{2*}, Mojtaba Asgharian³

¹ PhD student, Department of Law, Kish International Unit, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

² Assistant Professor, Law Department, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author).

³ Assistant Professor, Department of Law, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Received: (15/05/2022)

Accepted: (06/06/2022)

شناسه یکتا: <https://dorl.net/dor/>

Abstract

Dissolution of a contract means the termination of a contractual relationship, which sometimes ends with the fulfillment of contractual obligations and sometimes with the cancellation of the contract. In other words, the life of the existing contract between the parties can be terminated by the implementation of the contractual obligations of the parties, and sometimes the parties or one of them may not be able or unwilling to implement the provisions of the contract. It will cause the contract to end for any reason. Due to the fact that contracts concluded electronically do not have a distinct nature compared to contracts concluded through traditional methods, the implementation of obligations arising from electronic contracts is subject to general rules, except in cases where the characteristics of these contracts require it. Implementation in a different way The purpose of this research is to examine the dissolution of electronic contracts. The method of collecting this research is descriptive-analytical. The findings showed that in electronic contracts, according to the special conditions of such contracts and generally distance contracts, if the contract is terminated due to the exercise of the right of withdrawal or any other reason like traditional contracts. The state of the parties before the marriage is returned to the government. On this basis, it should be noted that the termination of the contract based on the right of withdrawal or based on other legal rules will have different effects.

Keyword

electronic contract, electronic sale, options, contract dissolution.

چکیده

منظور از انحلال عقد اتمام رابطه قراردادی می باشد که گاهی اتمام این رابطه از طریق اجرای تعهدات قراردادی می باشد و گاهی نیز از طریق عقیم ماندن عقد. به عبارت بهتر حیات قراردادی موجود بین طرفین می تواند با اجرای تعهدات قراردادی متباین تمام شود و گاهی نیز امکان دارد طرفین یا یکی از آن ها به هر دلیلی نتواند یا نخواهد مفاد قرارداد را به اجرا گذارد و از این طریق باعث گردد که عمر قرارداد به اتمام برسد. با توجه به اینکه عقود منعقد از طریق وسایل الکترونیکی دارای ماهیت متمایزی نسبت به عقود منعقد از طریق سنتی نمی باشند اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی تابع قواعد عمومی می باشند مگر در مواردی که ویژگی این عقود اجرا به نحو دیگری را اقتضاء نمایند. هدف پژوهش حاضر، بررسی انحلال قراردادهای الکترونیکی می باشد. روش تدوین این تحقیق توصیفی-تحلیلی می باشد. یافته ها نشان داد، که در قراردادهای الکترونیکی با توجه به شرایط خاص اینگونه قراردادها و انعقاد قرارداد عموماً از راه دور، در صورت تحقق انحلال قرارداد به دلیل اعمال حق انصراف یا هر دلیل دیگری به مثابه عقود سنتی وضعیت طرفین به حالت پیش از عقد اعاده می گردد. بر همین مبنا باید به این نکته توجه نمود که انحلال قرارداد بر مبنای حق انصراف یا بر مبنای سایر قواعد حقوقی دارای آثار متفاوتی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

قرارداد الکترونیکی، بیع الکترونیک، اختیارات، انحلال عقد.

مقدمه

هنگام انعقاد قرارداد، طرفین تصمیم می‌گیرند با رضایت، تعهداتی را نسبت به طرف مقابل بپذیرند. این قراردادها می‌بایست بر اساس شرایط صحت معامله منعقد شوند. طبیعی است که قراردادها با انجام مورد تعهد، به پایان برسند، مثلاً در عقد بیع یا قرارداد خرید و فروش، بعد از اینکه مالکیت مال مورد معامله انتقال یافت و هزینه آن نیز پرداخت شد، طرفین قرارداد دیگر نسبت به هم تعهدی ندارند که بخواهند آن را انجام دهند. لذا، انجام تعهد موجب خاتمه قرارداد می‌شود. اما مواردی وجود دارد که قرارداد منحل می‌شود. انحلال قرارداد یعنی، عقدی که به صورت درست منعقد شده است، به علت خاصی اجرا نمی‌شود؛ یعنی عقد قابلیت اجرا و کامل شدن داشته است ولی یک سبب و علت باعث شده است تا اجرای آن بی‌اثر باشد و در واقع عقد منحل شود. بنابراین، موارد انحلال قرارداد عبارتند از: فسخ، اقاله و انفساخ.

اما در قراردادهای الکترونیکی، انعقاد قراردادها در خصوص مبادلات بازرگانی و تجاری، صرفاً به صورت حضوری و فیزیکی منعقد نمی‌گردد، بلکه علاوه بر قرارداد های حضوری که از آن ها به قرارداد سنتی تعبیر می‌شود، با ایجاد ارتباطات الکترونیکی، روابط بازرگانی و تجاری نیز جنبه الکترونیکی به خود گرفته اند. قرارداد های بیع الکترونیکی از جمله قرارداد هایی می باشد که از طریق ابزارهای الکترونیکی انعقاد می گردد. لذا بعد از انعقاد هر قراردادی، حتی با وسایل الکترونیکی، ممکن است عواملی باعث انحلال قرارداد شود. در قراردادهای الکترونیکی با توجه به شرایط خاص اینگونه قراردادها و انعقاد قرارداد عموماً از راه دور، در صورت تحقق انحلال قرارداد به دلیل اعمال حق انصراف یا هر دلیل دیگری به مثابه عقود سنتی وضعیت طرفین به حالت پیش از عقد اعاده می گردد.

یکی از شیوه های انعقاد بیع، استفاده از شبکه جهانی اینترنت است که با فراهم آوردن مقدماتی در خصوص معرفی کالا، انجام مذاکرات و در نهایت ایجاب و قبول منجر به وقوع بیع الکترونیکی می گردد. اینترنت، به عنوان محل انجام روابط حقوقی اشخاص، دارای یکسری خصوصیات است که در محیط های دیگر الکترونیکی (نظیر تلفن) وجود ندارد. این موضوع که چه مسائلی در این نوع از قراردادها در مقایسه با بیع عادی (که خارج از فضای مجازی منعقد می شوند) وجود دارد و اینکه آیا تمامی قواعد حاکم بر بیع غیر الکترونیکی (عادی) را می توان بر بیع الکترونیکی اعمال نمود یا اینکه آیا به دلیل تغییر محیط انعقاد قرارداد، محدودیت هایی از این حیث وجود دارد، موضوع این رساله می باشد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر ماهیت پژوهش یک تحقیق، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. که بر پایه اطلاعات کتابخانه ای به بحث و بررسی یک مساله حقوقی پرداخته است. همانند مطالعات حوزه علوم انسانی در این پژوهش نیز به منظور انجام پژوهش از روش کتابخانه ای برای دستیابی به یافته ها استفاده شده است و با مراجعه به کتاب ها و مقالات مختلف موجود مرتبط با موضوع حقوقی و فیش برداری از آن ها اطلاعات لازم جمع آوری و ارائه گردیده است.

بحث و بررسی

- مفهوم قرارداد

عقد یا قرارداد در مفهوم حقوقی عبارت است از: همکاری متقابل اراده دو یا چند شخص در ایجاد ماهیت حقوقی (شهیدی، مهدی، ۱۳۸۱).

- ماهیت و آثار قراردادهای الکترونیکی

قراردادهای الکترونیکی نیز به مثابه سایر قراردادها دارای آثار و تبعات حقوقی و مادی برای طرفین می باشد بررسی این آثار از این جهت می تواند مفید واقع گردد که جنبه های مختلف تعهدات و حقوق طرفین در اینگونه عقود روشن گردد. در ابتدا با توجه به این که آثار حقوقی این نوع قراردادها از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد، به بررسی برخی از قوانین موجود در خصوص حقوق و تکالیف متعاملین در بیع الکترونیک با شرایط خاص خود پرداخته شده است.

- ایجاب و قبول در قراردادهای الکترونیکی

شکی نیست که ایجاب و قبول می تواند از طریق فعل انجام شود این وضعیت در تجارت الکترونیکی نیز غیر ممکن نیست، قبول در واقع اعلام بی قید و شرط اراده برای محتوای ایجاب است. در یک قرارداد الکترونیکی مستقیم، مبیع و ثمن به صورت الکترونیکی تحویل می شود و بعنوان مثال، هنگام ایجاب خرید مقاله به صورت الکترونیکی، می توان تایید نمود که مقاله توسط مخاطب ارسال شده است (بدون نیاز به قبول صریح) و قرارداد منعقد خواهد شد. (باقری، ۱۳۹۹).

- مشروعیت معاملات الکترونیکی

از جمله احکام امضائی اسلام، مقررات مربوط به معاملات تجاری است. تجارت به عنوان یک نوع فعالیت اقتصادی،

بازار الکترونیکی و بیع از طریق اینترنت می باشد. در مبادله داده های الکترونیکی اطلاعات مورد نیاز بین دو بنگاه اقتصادی از طریق الکترونیکی منتقل شده و کالاها یا خدمات مورد نیاز سفارش داده شده یا تهیه آن اطلاع داده می شود. (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶)

-انحلال قراردادهای الکترونیک

هرگاه قراردادی که واجد تمام شرایط اساسی صحت عقود بوده منعقد گردد و به اصطلاح قراردادی معتبر و نافذ باشد، موجودیت حقوقی خود را از دست بدهد قرارداد منحل می گردد مثلاً در قراردادهای کاری با استعفا کارمند، قراردادی که به شکل صحیح منعقد گردیده بوده با طی مراحل قانونی حاکم بر قرارداد استخدام منحل شده و آثار حقوقی آن نیز تغییر می کند. حتی اگر طرفین قرارداد عدم رضایت خود را از تداوم رابطه قراردادی نشان دهند جهت انحلال قرارداد باید این اراده ابراز شود.

شایان توجه است که انحلال قرارداد مفهومی متفاوت از بطلان قرارداد است و این دو را نباید مفاهیم یکسانی تلقی کرد. منظور از قرارداد باطل قراردادی است که از ابتدا از شرایطی که برای اعتبار و نفوذ حقوقی قرارداد لازم و ضروری شناخته می شود برخوردار نیست مثلاً قرارداد برای یک هدف نامشروع منعقد شده باشد در چنین شرایطی اصولاً قراردادی شکل نگرفته که با انحلال مواجه گردد، قانون در این وضعیت از توصیف بطلان قرارداد بهره می برد.

انحلال قرارداد، در اصطلاح یعنی قراردادی به طور صحیح واقع می شود و پس از آن با تراضی طرفین یا به اراده یکی از آنها یا بدون دخالت اراده، از تاریخ معینی منحل و منفسخ می گردد. به عبارت دیگر، انحلال قرارداد، گسیخته شدن و از هم پاشیده شدن قراردادی است که صحیحاً واقع شده است؛ اما به سببی از اسباب، منحل گردیده؛ و ممکن است انحلال با دخالت متعاقدین (مانند فسخ به وسیلهٔ اختیارات و اقاله، موضوع مواد ۳۹۶، ۲۱۹ و ۲۸۳ ق.م.ا) یا بدون دخالت آنها (مانند انحلال بیع، به تلف مبیع قبل از قبض موضوع ماده ۳۸۷ ق.م.ا) باشد.

انحلال، از آثار و عوارض عقد صحیح است؛ و نباید آن را با بطلان عقد اشتباه کرد؛ زیرا عقد باطل در صورتی بی معنا است که از آغاز نیز نفوذ و اعتباری ندارد. ولی، در انحلال قرارداد، سببی عقد موجود را بر هم می زند و حکم دادگاه، اگر نیازی به وجود آن احساس شود، ناظر به حدوث همین سبب است. (کاتوزیان؛ ۱۳۹۴) پس در انحلال، عقدی که صحیحاً واقع شده است، به سببی از اسباب، منحل می گردد. ولی در بطلان، اصلاً

عملی حقوقی و مسؤولیت آور است از این رو اسلام آن را محدود به یک سری موازین و مقررات نموده است. ضوابطی که در فقه در باب تجارت مطرح شده، مقرراتی مبتنی بر استنباط از منابع فقهی و متناسب با مقتضیات زمان است که اگرچه غالباً با عباراتی کوتاه و فصیح بیان شده اند اما مخصوص موردی خاص نبوده و فراگیر و دارای عمومیت می باشد. مقررات حاکم بر معاملات الکترونیکی مبتنی بر قواعد فقه است بنابراین معاملات الکترونیکی حکماً تابع معاملات غیرالکترونیکی هستند اما ممکن است موضوعاً مستحداً وجود داشته باشد لذا آنچه در تألیفات فقها پیرامون معاملات آمده در خصوص معاملات الکترونیکی نیز حاکم است.

امروزه قراردادهای الکترونیکی نقش مهمی در تجارت الکترونیک بازی می کنند و با حذف کاغذ به سرعت در حال پیشرفت هستند؛ به طوری که در آینده ای نزدیک بخش اعظمی از قراردادهای الکترونیکی بسته خواهند شد. استفاده گسترده تجار و افراد عادی از اینگونه فناوریها باعث گردیده که پای قواعد و مقررات و به تبع آن علم حقوق نیز به این عرصه وارد شود. بدون شک مدیریت روابط افراد در اینگونه ارتباطات نیاز به قواعد و مقررات دقیق و کاملی دارد تا با استفاده از این مقررات بتوان از حقوق افراد صیانت نمود. انعقاد انواع قراردادهای الکترونیکی بالاخص عقد بیع باعث بروز تردیدها و مشکلاتی در خصوص اعمال تمام قواعد حاکم بر بیع سنتی در اینگونه قراردادها گردیده است. از یک طرف نحوه انعقاد و مبادله اطلاعات و خواستهها بین طرفین قرارداد به نحوی است که امکان اعمال تمامی احکام بیع سنتی در اینگونه عقود وجود ندارد و از سوی دیگر عدم اعمال این مقررات نه تنها باعث فراهم شدن زمینههای سودجویی برای برخی افراد می گردد بلکه باعث سردرگمی سایر افراد جامعه و همچنین بروز مشکلات حقوقی و اقتصادی جدیدی در این راستا می گردد. بر این اساس بررسی مبنایی اعمال برخی از احکام عقود سنتی در اینگونه قراردادها نه تنها باعث برون رفت از برخی مشکلات موجود می گردد بلکه به تبع آن، راه آینده نیز تا حدی قابل تشخیص خواهد بود.

-قلمرو بیع الکترونیکی

عموماً بیع الکترونیکی به عنوان بیع از طریق اینترنت تلقی می شود. اما نباید این دو را مترادف هم دانست. بیع از طریق اینترنت یکی از روش های بیع الکترونیکی می باشد. بیع الکترونیکی در معنای عام شامل مبادله داده های الکترونیکی،

عقدی واقع نشده است. به عبارت دیگر عقد صحیح، فسخ، اقاله، منحل و منفسخ می گردد و عقد باطل فسخ، اقاله و انفساخ ندارد.

گاهی انحلال قرارداد با اجرای آن نیز اشتباه گرفته می شود «قرارداد با اجرای تمام تعهد های ناشی از آن پایان می پذیرد، ولی این تحول طبیعی انحلال عقد نیست. زمانی از انحلال سخن گفته می شود که عقد، برحسب مفاد خود، جایی برای اجراء داشته باشد ولی سبب ویژه ای آن را بی اثر کند».

اثر انحلال ناظر به آینده است و به گذشته اثر ندارد. یعنی از زمان انعقاد عقد و قرارداد تا زمان وقوع سبب انحلال، عقد و قرارداد تشکیل شده، نافذ است؛ اما از زمان تحقق سبب انحلال، عقد و قرارداد از هم گسیخته و آثار آن نیز قطع می شود.

موارد انحلال قرارداد

توافق طرفین قرارداد: تفاهم طرفین به برهم زدن قراردادی که ساخته اند اصطلاحاً اقاله یا تفاسخ نام دارد. و به این معنا است همان کسانی که قرارداد را به وجود آورده اند نسبت به از بین رفتن قرارداد توافق می کنند و با این توافق ثانوی از تعهدات خود چشم پوشی می کنند.

انحلال به تراضی، یعنی تراضی طرفین عقد یا قائم مقام آنها برای برهم زدن و قطع آثار آن. انحلال به تراضی در حقوق ایران به «اقاله» معروف است (ماده ۲۱۹ ق.م.ا)؛ و در فقه به آن تفاسخ می گویند. پس از عقد طرفین با تراضی یکدیگر، به وسیله اقاله گره بسته شده را باز و انحلال عقد را جداگانه انشاء می نمایند. اثر این انحلال از زمان اقاله و ناظر به آینده است. با توجه به مبنای اقاله، که حکومت اراده می باشد و نص قانون مدنی، تمام عقود لازم را می توان با تراضی اقاله و منحل کرد؛ به غیر از عقد نکاح و عقد وقف، که اقاله در آنها راه ندارد. سئوالی که در اینجا می توان مطرح کرد این است که جایگاه طبیعی اقاله کجاست؟ به عبارت دیگر اقاله جزء اسباب سقوط تعهدات است یا جزء اسباب انحلال عقد می باشد؟

قانون گذار ایران در بند دوم ماده ۲۶۴ ق.م.ا اقاله را در زمره اسباب سقوط تعهدات، آورده است. و در مواد ۲۱۹ و ۲۸۳ ق.م.ا اقاله را به عنوان یکی از اسباب انحلال عقد لازم معرفی کرده است. علاوه بر اینکه اقاله سبب سقوط تعهدات و انحلال قرارداد می باشد؛ وسیله قطع آثار تعهدات و قراردادی که ایفا و اجرا شده، نیز می باشد. بنابراین، به نظر می رسد، اقاله دامنه گسترده ای دارد که در ذیل یک عنوان نمی گنجد و نمی توان جایگاه آن را محدود به یک عنوان کرد.

تصمیم یک طرف قرارداد: قراردادهای ممکن است با اراده ای یکی از طرفین منحل شود که در این حالت موافقت طرف دیگر مورد نیاز نبوده و قرارداد با اعلام اراده یک جانبه پایان می پذیرد. مثلاً هرگاه در قرارداد برای انجام تعهد مدتی شرط شود که در صورت انقضای آن طرف ذینفع بین مطالبه خسارت یا فسخ قرارداد مختار باشد. در برخی عقود امکان انحلال با تصمیم یک جانبه مستلزم تصریح است که به این حق انحلال اصطلاحاً **خیار** گفته می شود.

انحلال به وسیله فسخ، یعنی یکی از طرفین قرارداد یا ثالث (در خیار شرط) با توجه به خیار که به واسطه قرارداد یا قانون (مواد ۲۱۹ و ۳۹۶ ق.م.ا) به دست آورده، اختیار فسخ قرارداد را به دست می آورد؛ و با انشای جداگانه آن، قرارداد را منحل می نماید. این گونه انحلال ارادی را در حقوق ایران و در فقه «فسخ» می نامند؛ و اختیاری را که یکی از طرفین یا ثالث (در خیار شرط) برای برهم زدن عقد لازم به دست می آورد «خیار» می گویند. اثر این انحلال از تاریخ فسخ و ناظر به آینده است. در بین خیارها، خیار شرط در مقایسه با سایر خیارها دارای دو ویژگی مهم می باشد؛ یکی توافق و تراضی طرفین در ضمن عقد، و دیگر اینکه، خیار شرط به شخص ثالث هم تعلق می گیرد. خیار شرط، علاوه بر اینکه جزء اسباب انحلال قرارداد می باشد؛ می تواند به عنوان یکی از اسباب سقوط تعهدات نیز باشد. خیار شرط در عقد نکاح (ماده ۱۰۶۹ ق.م.ا) و عقد وقف راه ندارد.

مبنای فسخ:

با توجه به اینکه عقد لازم را نمی شود برهم زد، مبنای فسخ به وسیله خیارها چیست؟ مبنای فسخ به وسیله خیارها، گاهی به جهت جبران ضرر (بر اساس قاعده لاضرر) و اجرای عدالت است؛ مثل حق فسخ ناشی از خیار غبن. و گاهی مبنای فسخ، حکومت اراده است که به وسیله درج خیار در ضمن قرارداد (مثل خیار شرط) اختیار فسخ آن را به یکی از طرفین یا ثالث می دهد. بر اساس همین مبنای، قانون گذار فسخ را به عنوان یکی از اسباب انحلال عقود لازم بیان کرده است.

انفساخ یا انحلال قهری قرارداد: هنگام تنظیم قراردادهای می توان شرایطی را پیش بینی کرد که در صورت تحقق آن ها قرارداد بدون نیاز به اراده هیچ کدام از طرفین منحل گردد. نکته ای که در این خصوص نباید از نظر دور نگه داشته شود این است که این شرایط باید الزاماً اموری را خارج از اختیار طرفین قرارداد پوشش دهد و طرفین نباید در وقوع آن نقشی داشته باشند که بارزترین نمونه آن وقوع فورس ماژور در حین رابطه

قراردادی است که به صورت مستقیم بر ایفای تعهد قراردادی مؤثر باشد به نحوی که طرفین را از عمل به وظایف قراردادی خود عاجز نماید.

انحلال قهری یا انفساخ، آن است که، «اگر عقدی صحیحاً واقع شود سپس به سببی از اسباب، آن عقد، منحل گردد، و در این انحلال، قصد عاقد دخالت نداشته باشد، این انحلال را «انفساخ» نامند. این واژه در برابر واژه «فسخ» به کار می رود که مبتنی بر کاربرد اراده یکی از طرفین عقد است. تلف مبیع قبل از قبض، موجب انفساخ بیع است. (ر. ک مواد. ۴۸۳ و ۳۸۷ ق.م) (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷)

در فقه و حقوق، به اثر افتادن یک عمل حقوقی اعمال از عقد یا ایقاع، بیرون از اراده انشاء کنندگان آن به حکم شرع، قانون و عرف «انفساخ» گویند. چنانکه ملاحظه می شود، در فقه اسلامی انفساخ معنای لزوم دارد و با از میان رفتن اثر مترتب بر عمل حقوقی بدون دخالت اراده کسی غیر از قانون، شرع یا عرف از بین می رود. همچنین می توان از انفساخ به انحلال قهری یک قرارداد نیز تعبیر کرد (خدای، ۱۳۹۱).

پس، انحلال قهری که آن را انفساخ هم می نامند، انحلال خود بخود و بدون دخالت اراده طرفین است که نیاز به انشای جداگانه ندارد. مانند انحلال عقد بیع در نتیجه تلف مبیع قبل از قبض (ماده ۳۸۷ ق.م)، انحلال اجاره در اثر تلف عین مستأجره (ماده ۴۸۳ ق.م)، فوت مستأجری که مباشرت او در اجاره شرط شده است (ماده ۴۹۷ ق.م)، انحلال عقد جایز به موت و حجر یکی از دو طرف (ماده ۹۵۴ ق.م) و موارد دیگری که در قانون مدنی آمده است. اثر انحلال قهری یا انفساخ، از زمان وقوع سبب و ناظر به آینده می باشد.

ایفاء تعهد

برای اتمام عقود شرایطی ذکر می شود که ایفاء تعهد یکی از اصلی ترین آن هاست. ابتدا پس از تبیین تعهد و اقسام آن بر اساس قواعد عام، به بررسی ماهیت ایفاء تعهد به نحوه اجراء آن در بیع الکترونیکی پیرامون ایفاء تعهد پرداخته خواهد شد.

تعهد و اقسام آن

الف) تعهد- مفهوم عام تعهد:

در فقه و حقوق، واژه تعهد در دو معنی به کار می رود. یکی در معنی عام خود که معادل الزام، التزام، شرط، اشتراط، عهد، عهده، ضمان، تکلیف و شامل تمام تکالیف و حقوق دینی است؛ خواه از نوع الزامات قهری و قانونی ناشی از اسباب

قهری، خواه از التزامات ارادی و قراردادی به شمار رود و منشأ قراردادی داشته باشد. شاید بر همین اساس در فقه، عهد را عبارت از مطلق جعل و قرار دانسته اند. خواه آن جعل و قرار معاملی یا قلبی باشد و خواه تشریحی یا وضعی.

در قانون مدنی نیز در پاره ای موارد لفظ تعهد در معنی عام خود به کار گرفته شده است. چنانکه فصل ششم از باب اول- قسمت دوم کتاب دوم جلد اول قانون مدنی به سقوط تعهدات اختصاص یافته و در معنی عام تعهد به کار رفته است که شامل همه تعهدات اعم از تعهدات ناشی از قرارداد و الزامات خارج از عقد است.

دقت در مفاد ماده ۲۶۴ ق.م. که اسباب سقوط تعهدات را به طور کلی و مطلق احصاء کرده است به روشنی این معنی را آشکار می سازد^۱. یا اینکه در ماده ۱۱۹۸ ق.م. آمده است: «کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکین باید تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود.» ملاحظه می شود که لفظ تعهدات مندرج در این ماده در مفهومی قرائت از معنی تعهدات ویژه ناشی از اعمال حقوقی به کار رفته است. (درودیان، ۱۳۸۹).

- مفهوم خاص تعهد:

تعهد در معنی خاص خود عبارت است از: «رابطه حقوقی میان دو شخص که به موجب آن متعهد له می تواند متعهد را ملزم به پرداخت مبلغی پول یا اقباض و انتقال چیزی و یا انجام فعل و یا ترک کار معینی بکند.» یا اینکه گفته اند: «تعهد رابطه ای است حقوقی که نتیجه آن انتقال مال یا انجام دادن فعل یا ترک فعل معین یا اسقاط یک اثر حقوقی باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷).

بعضی هم در تعریف تعهد ضمانت اجرای آن را لحاظ کرده اند و گفته اند: تعهد عبارتست از رابطه حقوقی که به مقتضای آن شخص معینی که مدیون نامیده می شود ملتزم می گردد به اداء مال یا انجام کاری برای شخص معین یا قابل

^۱ - ماده ۶۲۴ ق.م: «تعهدات به یکی از طرق ذیل ساقط می شود: ۱- به وسیله وفای به عهد ۲- به وسیله اقاله ۳- به وسیله ابراء ۴- به وسیله تبدیل تعهد ۵- به وسیله تهاتر ۶- به وسیله مالکیت مافی الذمه».

حکم قانون و نه قرارداد برای اشخاص ایجاد می شود. برخی از دانشمندان حقوق منکر تعدد مسئولیت غیرقراردادی و مسئولیت قراردادی بوده و قائل به وحدت و یکی بودن آنها می باشند. و از لحاظ ماهیت تفاوتی میان تعهدات قراردادی و تعهدات ناشی از قانون قائل نمی باشند. دلیلی که این حقوقدانان برای توجیح نظر خود عرضه می دارند آن است که تفسیر که مبنای این مسئولیت می باشد چیزی جز تخلف از مفاد یک تعهد موجود بیش نیست. خواه این تعهد را قبلاً یک قرارداد پدید آورده باشد و خواه آن را قانون ایجاد کرده باشد. و ادعا می کنند که این مسئولیت قراردادی نیز مانند الزامات ایجاد دین می کند و منبع تعهد است و از این حیث تفاوتی بین آن دو وجود ندارد. و در توجیه این ادعا گفته شده است تعهدی که در اثر عدم انجام تعهد قراردادی برای مدیون ایجاد می شود بکلی مستقل از تعهد اصلی است و در هر دو مورد عهد شکن است که مسئولیت به بار می آورد.

در مسئولیت قراردادی نقض عهدهی که مسئول خود پذیرفته بوده است. در مسئولیت غیر قراردادی تخلف از دینی که قانون به اشخاص تحمیل کرده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷). شاید از نظر فلسفی یا اخلاقی بتوان تعهدات ناشی از قرارداد را نیز در زمره سایر ضمانات و تعهدات آورد و ادعا کرد که در این جا نیز خطای متعهد است که ایجاد تعهد می کند ولی در نظم حقوقی رسم چنین است که این دو را متمایز از هم ساخته اند. هر چند که در هر مورد که تعهدی ایجاد شود مبنای واقعی آن حکم قانون است. ولی این نکته را نباید دور از نظر داشت که در زمینه قراردادها قانون ایجاد تعهد را به اراده اشخاص و توافق آنان واگذار کرده است.

مخلوط کردن تعهدات قراردادی و غیر قراردادی، تقسیم بندی وقایع حقوقی و اعمال حقوقی که پایه بسیاری از نهادهای حقوق مدنی است را به هم می زند و به همین جهت باید از آن پرهیز کرد. برای بوجود آوردن تعهدات قراردادی وجود یک قرارداد نافذ و معتبر بین طرفین ضروری است. تعهداتی که پس از انقضای قرارداد بوجود می آید. به فرض که به مناسب پیمان و قرارداد و آینده باشد. وصف قراردادی ندارد.

۳- تعهدات ناشی از قانون: تعهداتی که با اتکاء به قانون و بدون قرارداد حاصل می شود ممکن است شبه جرم جرم " شبه عقد" یا قانون باشد که در معنای احض خود تعهدات غیر قراردادی است. معتقدان به وحدت مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی معتقد هستند که هر تعهد که در جهان بوجود می آید ناشی از قانون است. خواه وسیله ایجاد آن قرارداد باشد یا

تعیینی که طلبکار نام دارد و به موجب آن طلبکار می تواند اجرای آن تعهد را از بدهکار بخواهد و اگر حاضر به انجام آن نشود او را بر خلاف میل به اجرای آن وادار کند (انور، سلطان؛ ۱۹۸۳).

هرچند از تعاریف مذکور چنین مستفاد می شود که تعهد در حقیقت الزامی است که متعهد به اراده خود بدان پایبند می شود و به این اعتبار در مقابل الزام که به معنی تحمیل تعهد بر شخص توسط قانون یا در اثر واقعه حقوقی است قرار می گیرد، لیکن در قانون مدنی مطلق الزام و التزام یعنی هم تعهدات ناشی از تراخی و قرارداد و هم تعهدات خارج از قرارداد که به صورت قهری و غیر ارادی بر شخص تحمیل می شود هر دو ملحوظ نظر قرار گرفته است (درودیان، ۱۳۸۹).

ب) اقسام تعهد

در یک تقسیم بندی کلی تعهدات به دو دسته تقسیم می شوند: تعهدات مدنی و تجاری این تقسیم بندی نشأت گرفته از تمایز حقوق تجارت با حقوق مدنی است.

۱- تعهد مدنی و تجاری: تعهد وابسته به این که از یک رابطه تجاری بین تجار و شرکت ها یا اینکه ناشی از صدور وجود اسناد تجاری ناشی شده باشد از تعهدات مدنی متمایز می گردد. هر چند همبستگی انکار ناپذیری بین حقوق تجارت و حقوق مدنی وجود دارد از جمله اینکه از لحاظ قواعد عمومی حاکم به روابط طرفین بین افراد جامعه از اصول واحدی پیروی می کنند و این اصول عمدتاً در قانون مدنی نهفته است. یا اینکه به بیع تجاری به لحاظ اینکه قانونگذار مقرراتی را وضع نموده است. مقررات بیع مدنی حاکم است. به هر صورت تاثیر حقوق تجارت در حقوق مدنی از تاثیر حقوق مدنی در حقوق تجارت بیشتر بوده است و این به لحاظ پویایی حقوق تجارت بوده است که قواعد آن مبتنی بر دو اصل سرعت و امنیت است. چیزی که رشد و پویایی جامعه بدون سرعت و امنیت قابل تحقق نیست و قالب های ساده حقوق تجارت برای افراد جامعه مقبول تر و مطلوبتر افتاده است. برای شناختن تعهدات تجاری از تعهدات مدنی چون تعهدات مدنی عام و اصول کلی است باید به شناختن ویژگی مشخصه تعهدات تجاری پرداخت (تهرانی، ۱۳۷۵).

۲- تعهدات قراردادی: در حقوق کنونی ایران دو گروه از تعهدات از اهمیت بیشتری برخوردار است. تعهدات ناشی از قرارداد و الزامات قانونی که همان تعهدات قانونی است و به

سایر وقایع، تعهداتی را که طرفین درباره آن توافق کرده اند به غلط تعهدات قراردادی گفته اند. در حالی که منشاء دین هیچگاه اراده طرفین نیست و کسی که در قرارداد متعهد می شود به دلیل آثاری است که قانون به این قرارداد بار کرده استامروزه مسئولیت مدنی و کیفری از هم فاصله گرفته است. چراکه هدف از ایجاد این دو نوع مسئولیت یکسان نیست. هدف از ایجاد مسئولیت در نظام کیفری جبران خسارت‌های جمعی است ولی در نظام مسئولیت مدنی هدف جبران خسارت‌های فردی است. احراز عمد در تعهدات کیفری نقش به سزایی دارد اما در مسئولیت مدنی تعهد از بی مبالاتی و بی احتیاطی سرچشمه می گیرد.

ج) ماهیت ایفاء تعهد

منظور از انحلال عقد اتمام رابطه قراردادی می باشد که گاهی اتمام این رابطه از طریق اجرای تعهدات قراردادی می باشد و گاهی نیز از طریق عقیم ماندن عقد. به عبارت بهتر حیات قراردادی موجود بین طرفین می تواند با اجرای تعهدات قراردادی متباین تمام شود و گاهی نیز امکان دارد طرفین یا یکی از آن‌ها به هر دلیلی (اعم از داشتن حق فسخ یا وقوع فورس ماژور یا ...) نتواند یا نخواهد مفاد قرارداد را به اجرا گذارد و از این طریق باعث گردد که عمر قرارداد به اتمام برسد. با توجه به اینکه عقود منعقد از طریق وسایل الکترونیکی دارای ماهیت متمایزی نسبت به عقود منعقد از طریق سنتی نمی باشند اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی تابع قواعد عمومی می باشند مگر در مواردی که ویژگی این عقود اجرا به نحو دیگری را اقتضاء نمایند. وفاء به عهد معمول‌ترین و ساده‌ترین وسیله سقوط تعهد می باشد. چرا که بدین وسیله متعهد با اجرای تعهد قراردادی خود به حیات عقد پایان می بخشد.

قواعد اجرای تعهدات در قرارداد بیع الکترونیکی

قراردادهای واقع شده در فضای الکترونیکی نیز تابع قواعد عمومی اجرای تعهد می باشند و بر این اساس باید مقررات مصرح در قانون مدنی نیز در این خصوص اجرا شود مگر در مواردی که قانون تجارت الکترونیکی شرایط خاصی را برای اجرای تعهد مقرر نموده باشد. مثل جایی که شرط اضافی ارسال اطلاعات مورد نیاز به خریدار را جز تعهدات بایع می داند (ماده ۳۴ و ۳۳). تعهدات موضوع قراردادهای الکترونیکی به طور

معمول به صورت کلی می باشند در این صورت باید متعهد در انتخاب موضوع تعهد افراط ننموده و فرد معمول را تحویل خریدار دهد (م ۲۷۹ق.م.) و اگر موضوع تعهد عین معین باشد باید عین را به همان نحوی که در زمان انعقاد عقد بوده تحویل دهد (۲۷۸ ق.م.) از سوی دیگر با توجه به اینکه در قراردادهای الکترونیکی شخصیت متعهد در انجام تعهد اهمیت چندانی ندارد امکان اجرای تعهد توسط ثالث نیز وجود دارد (م ۲۶۷ ق.م.). نکته دیگری نیز که باید به آن توجه نمود این است که گرچه در اجرای تعهدات برخی بر این عقیده اند که متعهد می تواند حق خود را به وسیله تقاص بستاند اما شکی وجود ندارد که این امر نه از جهت نظم عمومی و نه از جهت اصول حقوقی قابل اجرا نیست چرا که هدف حقوق اجرای عدالت از مسیرها و روش های مورد قبول می باشد نه رسیدن به حق با هر روشی. بر این اساس اگر خریدار الکترونیکی بعد از خرید کالا یا دریافت خدمات مورد نظر از پرداخت ثمن قرارداد اجتناب نماید بایع نمی تواند با ورود به سیستم الکترونیکی یا رایانه ای خریدار اقدام به انتقال وجه از طریق اینترنت نماید یا مبلغ دریافتی از بدهکار خریدار را به حساب خود انتقال دهد.

انحلال ارادی قراردادی در بیع الکترونیک

-اقاله

اقاله در لغت به معنای خلاص شدن از آن چیزی است که شخص درگیر آن شده همچنین به معنای رهایی نیز از آن یاد شده است. طرفین قرارداد می توانند قرارداد خودشان را با رضایت برهم بزنند. که این وضعیت در معاملات الکترونیکی نیز وجود ندارد. انحلال قرارداد از طریق اقاله جزء قواعد عمومی قراردادها است (جوادی، ۱۳۹۹). با این حال شرایط و دلایل برهم زدن کاملاً استثنایی بوده و اصل لزوم بر قراردادهای حاکم می باشد. عقود واقع شده از طریق سنتی و عقود الکترونیکی هر دو در این امر مشترک بوده و هیچکدام ویژگی خاصی نسبت به دیگری در این خصوص دارا نمی باشند. اقاله در ماده ۲۶۴ قانون مدنی در کنار سایر اسباب سقوط تعهدات ذکر شده است اقاله صرفاً عامل انحلال و از بین رفتن عقد و به تبع آن تعهد نمی باشد بلکه دارای عنصر سازنده نیز می باشد چرا که در برخی موارد به ویژه بعد از انجام تعهدات عقد اصلی، به واسطه اقاله باید موضوع تعهد به جای اولیه خود بازگردد و طرفین به واسطه اقاله تعهد جدیدی را قبول می نمایند. این تمایز وقتی شدت می گیرد که موضوع عقد انتقال مالی باشد و به واسطه اقاله عقد دوباره به ملکیت بایع بر می گردد و سبب تملیک می گردد.

انفساخ

حاکمیت اراده با قواعد آمره و نظم عمومی پیدا نمود، می توان به صحت این نهاد حقوقی به استناد ماده ۱۰ حکم نمود. به نظر نمی رسد توافق افراد مبنی بر این که با وقوع حادثه ای در آینده، قرارداد خود به خود از بین برود، خللی به قواعد آمره و نظم عمومی وارد کند.

نکته دیگری که در این جا لازم به ذکر است، ارتباط موضوع مورد بحث، با ماده ۲۱۹ قانون مذکور است. این ماده مقرر می دارد: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده است بین متعاملین و قائم مقام آن ها لازم الاتباع است مگر این که به رضای طرفین، اقاله یا به علت قانونی فسخ شود». منظور از عبارت «علت قانونی» مذکور در ماده ۲۱۹، صرفاً علت مستقیم قانونی که اراده یک یا دو طرف عقد در آن دخالت نداشته باشد (مانند مورد تلف مبیع پیش از تسلیم) نیست، بلکه منظور هر علتی است که قانون مستقیماً یا برحسب اراده طرفین یا یکی از آنها، آن را سبب انحلال عقد معرفی کرده باشد. بنابراین با لحاظ اطلاق عنوان مذکور، تعلیق انحلال عقد را نیز که مورد اراده طرفین در زمان تشکیل عقد قرار می گیرد و با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی، صحیح دانسته شده، می توان مشمول عنوان «علت قانونی» دانست.

ماده ۴۹۷ قانون مدنی هم می تواند به نحوی بیانگر اراده ضمنی قانون گذار بر پذیرش شرط انفساخ و نهاد تعلیق در انحلال عقد باشد. در این ماده آمده است: «عقد اجاره به واسطه فوت موجر یا مستأجر باطل نمی شود و لیکن اگر موجر فقط برای مدت عمر خود مالک منافع عین مستأجره بوده است، اجاره به فوت موجر باطل می شود و اگر شرط باشرت مستأجر شده باشد، به فوت مستأجر باطل میگردد.» از قسمت اخیر این ماده که بیان می دارد اگر در قرارداد اجاره شرط باشرت مستأجر شده باشد با فوت مستأجر اجاره باطل می شود، در جهت پذیرش شرط انفساخ استفاده می شود. در واقع قانون گذار در قسمت اخیر این ماده، اراده طرفین عقد اجاره را بیان می دارد، زیرا هنگامی که در قرارداد اجاره شرط باشرت مستأجر در استفاده از منافع عین مستأجر می شود، مشروط له به طور غیر مستقیم خواستار انفساخ عقد اجاره در صورت عدم امکان باشرت مستأجر در استفاده از منافع بوده است که یکی از موارد بارز عدم امکان باشرت، فوت مستأجر می باشد. فرقی وجود ندارد بین موردی که شرط باشرت مستأجر شده و موردیکه صریحاً طرفین در قرارداد اجاره شرط نمایند. در صورت فوت مستأجر، عقد اجاره منفسخ شود. بنابراین این ماده میتواند به نحوی بیانگر پذیرش شرط

انفساخ در لغت، مصدر باب انفعال از ریشه «فسخ» به معنای شکسته شدن (انصاری، طاهری: ۱۳۸۴)، دانشنامه حقوق (ص ۴۸۳) برانداختن، باطل شدن و در فقه و حقوق، از اثر افتادن یک عمل حقوقی بیرون از اراده ایجاد کنندگان آن می باشد. به انفساخ، انحلال قهری نیز گفته می شود، یعنی بدون اراده طرفین عقد منحل می شود. منظور از قهری بودن انحلال، یعنی این که عقد، بدون نیاز به عمل حقوقی اضافی، خود به خود از بین می رود، و حق انتخاب برای طرفین یا دادگاه باقی نمی ماند. پس قهری بودن انحلال، منافاتی با ارادی بودن سبب آن ندارد، مثلاً ممکن است طرفین قبلاً تراضی نمایند که سه ماه بعد عقد خود به خود، منفسخ شود. بنابراین انفساخ به این معنا است که رابطه ناشی از قرارداد بدون قصد و اراده طرفین معامله و به موجب حکم قانون از بین برود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸) مثلاً اگر در عقد بیع، مبیع پیش از تسلیم از بین برود، عقد بیع منفسخ می شود. البته باید دانست که انفساخ قرارداد با بطلان آن تفاوت دارد. اگر قراردادی باطل باشد به معنی بی اعتباری و عدم تأثیر آن است اما قرارداد در صورتی منفسخ می شود که ابتدا قراردادی به طور صحیح منعقد شده باشد سپس سببی موجب انفساخ آن گردد.

الف) شرط انفساخ در قانون مدنی

چنان که ملاحظه شد، به لحاظ فقهی، مانعی در پذیرش تعلیق در انحلال عقد (شرط انفساخ) به نظر نمی آید. اما آیا این شرط، جایگاه قانونی نیز دارد؟ برخی شرط انفساخ را تابع احکام عمومی شروط و ماده ۱۰ ق انون مدنی و در هر حال از اقسام «معامله با حق استرداد» می دانند.

ایشان در این عبارت، دو موضوع جداگانه را طرح می نمایند: یک موضوع، اثبات صحت شرط انفساخ و پذیرش صحت آن به لحاظ قانون است که بدین منظور به ماده ۱۰ استناد شده است. موضوع دیگر مربوط به ماهیت حقوقی معامله واجد شرط انفساخ و مقررات حاکم بر آن است که در این زمینه به مقررات مربوط به معامله با حق استرداد (قانون ثبت) استناد گردیده است. برای اثبات صحت معامله با شرط انفساخ و پیدا کردن جایگاه قانونی برای آن می توان به ماده ۱۰ قانون مدنی استناد کرد. این ماده مقرر می دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است». اگر نتوان مغایرتی بین شرط انفساخ به عنوان یکی از مصادیق

فروش یک دستگاه آپارتمان، فروشنده شرط می نماید که اگر خریدار در موعد مقرر ثمن قرارداد را به صورت موعود پرداخت ننماید، عقد منحل گردد یا به عبارت مشابهی مانند اینکه اگر خریدار چک های موضوع پرداخت ثمن قرارداد را در موعد و سررسید آن کارسازی ننماید عقد منحل گردد. با توجه به مثال های مطروحه و تعریف ارائه شده از شروط فاسخ، در صورتی که معلق علیه حاصل شود (در فرض مثال، پاس نشدن چک در سررسید) عقد به خودی خود و بدون دخالت اراده منحل (منفسخ) می گردد.

ب) شرط انفساخ در دکترین حقوقی

اگرچه در کتب حقوقی، کمتر بحث تفصیلی پیرامون شرط انفساخ و تعلیق در انحلال عقد وجود دارد، اما برخی از حقوقدانان به طور مختصر به آن پرداخته و قائل به صحت آن شده اند و برخی از آن ها نیز از این فراتر رفته و به بیان استدلال های فقها در صحت و عدم صحت این مفهوم پرداخته و خود نیز بر صحت آن دلیل آورده اند.

دکتر امامی پس از بیان اقسام پنج گانه صورت هایی که برای رد ثمن در بیع شرط در کتابهای فقهی بیان شده، می نویسد: «چنانکه از عبارت ماده ۴۵۸ ق.م.معلوم می شود، ماده مزبور رد ثمن را در خیار شرط به یکی از دو قسم اول و دوم (قسم اول قید برای وجود خیار و قسم دوم قید برای فسخ کردن عقد) اعتبار نموده است ولی چنانچه رد ثمن در عقد بیع، به یکی از سه قسم دیگر (رد ثمن فسخ فعلی، قید انفساخ، شرط لزوم اقاله) اعتبار شود عقد نیز خیاری می باشد و صحیح است. (امامی ۱۳۵۵، ص ۵۶)

دکتر کاتوزیان نیز این مورد را از خیار شرط جدا و تابع احکام عمومی شروط و ماده ۱۰ قانون مدنی دانسته ولی در هر حال آن را از اقسام «معامله با حق استرداد» می داند (کاتوزیان، ۱۳۹۰).

دکتر شهیدی نیز پس از بیان استدلالهای فقهی مخالف و موافق صحت شرط انفساخ، قائل به صحت چنین شرط و معامله ای است و معتقد است که دلیلی بر بطلان آن در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه نمی توان یافت. ایشان در تکمیل استدلال فقهی موافق بیان می دارد که اولاً: اصل صحت و عمومات «وفوا بالعقود» و «المومنون عندشروطهم»، مثبت صحت و اعتبار این گونه عقد معلق است. ثانیاً: این که تحقق هر عمل حقوقی نیازمند انشا است و انفساخ معامله، به خودی خود و بدون انشای فسخ امکان ندارد، قابل تردید نیست، ولی برای تحقق انفساخ معامله نیازی

انفساخ از سوی قانونگذار باشد. ماده ۵۲۹ قانون مذکور در خصوص مزارعه و ماده ۵۴۵ آن، راجع به مساقات هم به همین نحو می تواند مثبت پذیرش شرط فاسخ از سوی قانونگذار باشد.

ماده ۵۲۹: «عقد مزارعه به فوت متعاملین یا احد آن ها باطل نمی شود مگر این که مباشرت عامل شرط شده باشد در این صورت به فوت او منفسخ می شود».

قسمت اخیر ماده در خصوص قید مباشرت عامل می تواند در پذیرش شرط فاسخ استفاده شود.

ماده ۵۴۵: «مقررات راجعه به مزارعه که در مبحث قبل ذکر شده است در مورد عقد مساقات نیز مرعی خواهد بود ...».

قانون گذار ایران در ماده ۱۸۹ قانون مدنی نیز به تعریف عقد منجز و معلق پرداخته است. براساس تعریف مذکور، هرگاه طرفین عقد اثر ناشی از عقد را بدون هیچ گونه قید و شرطی به وجود آورند، عقد به وجود آمده را عقدی منجز گویند اما اگر اثر عقد رامنوط به تحقق شرط دیگری کنند، عقد را عقدی معلق گویند. اما همان گونه که متعاقبین می توانند تشکیل قرارداد و انعقاد عقدا منوط به تحقق حادثه ای خارجی نمایند و اثر عقد را منوط به تحقق شرطی نمایند، انحلال قرارداد را نیز می توانند معلق به وقوع حادثه ای در آینده کنند.

برخی حقوق دانان با تعبیر «شرط فاسخ» و «شرط انفساخ» و برخی دیگر نیز با عنوان «تعلیق انفساخ عقد» سقوط تعهدات، انتشارات مجد، چاپ نهم، ص ۵۶ به موضوع پرداخته و تعاریفی ارائه نموده اند از جمله اینکه هرگاه انحلال تعهد معلق به امری خارجی شود، بدین گونه که پس از تحقق آن خود به خود تعهد نیز از بین برود، شرط را فاسخ می نامند (کاتوزیان ۱۳۸۵) به عبارت دیگر هرگاه طرفین عقد، انحلال عقد و از بین رفتن تعهد را معلق به وقوع حادثه ای در آینده نمایند، چنین شرطی را شرط فاسخ می نامند (کاتوزیان، ۱۳۸۸). در واقع، شرط فاسخ نوعی تراضی است که دو طرف درباره انفساخ احتمالی عقد در آینده می کنند و بدین وسیله تعهدهای ناشی از عقد را محدود به زمان معین یا عدم وقوع شرایط خاص می کنند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰) تعلیق انفساخ عقد نیز یعنی وابسته کردن انحلال عقد به تحقق امری در آینده مانند اینکه شخصی مزرعه خود را بفروشد که اگر ظرف یک سال فرزند او از خارج برگردد، عقد بیع منفسخ شود یا خانه خود را به دیگری هبه کند که اگر متهب ظرف دو سال و پیش از واهب فوت کند، عقد هبه منفسخ شود (شهیدی، ۱۳۸۸) مثال دیگر اینکه در زمان انعقاد عقد بیع

به انشای مستقل فسخ بعد از انشای عقد وجود ندارد و دلیلی بر اثبات لزوم انشای جداگانه نمی توان یافت. لازم نیست که اول عقدی انشا شود و سپس فسخ یا اقاله آن به وسیله یکی از طرفین انشا گردد (شهیدی، ۱۳۸۱). ایشان بحث را فراتر برده و موردی را نیز که معلق علیه امری خارج از اراده طرفین و غیر از رد ثمن است و فقها هیچ بحثی راجع به این مورد طرح نکرده اند، مطرح می نمایند و حکم به صحت عقد و شرط در این تعلیق را نیز، از نظرفقهی و حقوق مدنی، خالی از اشکال می داند.

بنابراین ملاحظه می شود که دکترین نیز حاکی از صحت شرط انفساخ است و درکتب حقوقی، نظریه ای که حاکی از عدم پذیرش صحت این نهاد باشد دیده نمی شود.

ج) انواع انفساخ قرارداد

انفساخ قرارداد را می توان با توجه به سبب آن به دو قسم تقسیم نمود.

۱- انفساخ ناشی از تراضی

ممکن است انفساخ ناشی از توافق طرفین قرارداد باشد مثل این که در عقد بیع خود به خود از بین برود. در این گونه شروط، طرفین قرارداد توافق می کنند تا در صورت حصول شرایط مقررشده، عقد منفسخ گردد. به چنین شرطی که موجب انفساخ قرارداد می گردد، شرط فاسخ می گویند.

باید دانست که شرط فاسخ هم در عقود لازم و هم در عقود جایز کاربرد دارد. عقد لازم، عقدی است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد (ماده ۱۸۵ ق.م) درحالی که عقد جایز، عقدی است که هر یک از طرفین هر وقت بخواهد، می تواند عقد را فسخ کند. (ماده ۱۸۶ ق.م) بنابراین اگرچه در عقد جایز هر یک از طرفین هر وقت بخواهد می تواند عقد را فسخ نماید اما شرط فاسخ نیز در این گونه عقود صحیح و دارای اثر است. مثلاً شرط فاسخ در عقد وکالت که عقدی جایز است موجب می شود که در صورت حصول شرط، عقد وکالت خودبه خود منحل می گردد و نیازی به فسخ عقد توسط وکیل یا موکل نیست.

باید توجه داشت که برخی عقود با اراده طرفین آن قابل انحلال نیست. لذا در این عقود، با شرط فاسخ نیز نمی توان عقد را منحل نمود مانند عقد نکاح که تنها از طریق طلاق قابل انحلال است و شرط انفساخ قرارداد در این عقد بی اثر است.

انفساخ عقد اثر قهقرایی ندارد. یعنی انفساخ موجب نمی شود که آثار عقد از ابتدا از بین برود بلکه اثر انفساخ از زمان منفسخ شدن قرارداد می باشد. البته در صورتی که در انفساخ به سبب تراضی، طرفین شرط نمایند که اثر انفساخ از روز انعقاد عقد باشد، چنین شرطی صحیح و انفساخ قرارداد نیز از روز عقد مؤثر است و بنابراین منافع مال در مدت بین انعقاد عقد تا انفساخ نیز به مالک قبل از عقد برمی گردد. اما در صورتی که در قرارداد چنین شرطی وجود نداشته باشد اثر انفساخ از زمان منفسخ شدن عقد است و بنابراین منافع حاصله مابین انعقاد عقد و انفساخ، متعلق به مالک پس از عقد است (قاسم زاده، ۱۳۸۳). در نهایت نباید تصور نمود که انفساخ ناشی از تراضی و توافق اراده طرفین، نشان دهنده ارادی بودن انفساخ است، زیرا آنچه در انفساخ مهم می باشد این است که پس از حصول شرط، عقد بدون دخالت اراده طرفین و خود به خود منفسخ می گردد، اگرچه سبب آن ارادی است.

- انفساخ ناشی از قانون

انفساخ ناشی از حکم قانون در سه مورد رخ می دهد.

اول) تلف مال مورد انتقال

تلف شدن مالی که به موجب قرارداد انتقال داده شده است منجر به انفساخ برخی قراردادها می گردد که در زیر به آنها اشاره می گردد.

۱- تلف مبیع پیش از تسلیم

پس از انعقاد عقد بیع، در صورتی که مبیع پیش از تسلیم به خریدار (در نزد فروشنده) و بدون تقصیر او تلف شود عقد بیع منفسخ می گردد. (ماده ۳۸۷ ق.م) زیرا هدف خریدار از خرید و فروش این است که در برابر پولی که می پردازد، مبیع در اختیار او قرار بگیرد. بنابراین در صورتی که مبیع از بین برود، خریدار تعهدی به دادن ثمن به فروشنده ندارد و چنانچه ثمن را پرداخت نموده باشد، آن را پس می گیرد. تلف شدن ثمن پیش از تسلیم نیز موجب انفساخ عقد بیع می گردد. بنابراین در صورتی که ثمن پیش از تسلیم به فروشنده و بدون تقصیر مشتری از بین برود، عقد بیع منفسخ می گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۷)

۲- تلف مال مورد اجاره پیش از تسلیم

در عقد اجاره، منفعت از مالک به مستأجر انتقال داده می شود. منفعت نیز به تدریج از عین حاصل می شود. به همین دلیل در صورت تلف شدن عین مستأجره (مثلاً خانه) در مدت

اجاره، دیگر منفعتی (سکونت در خانه) ایجاد نخواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۸۶) برابر ماده‌ی ۴۸۳ ق.م.:

واگذار شده است، موجب انفساخ مساقات می‌گردد (ماده‌ی ۵۴۵ ق.م.).

«اگر در مدت اجاره عین مستاجر به واسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود، اجاره از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می‌شود...»

۵- تلف مال موضوع حق انتفاع

حق انتفاع حقی است که به موجب آن مالک مال، حق استفاده از مال خود را به شخص دیگری می‌دهد تا او بتواند از منافع آن مال استفاده نماید. (ماده‌ی ۴۰ ق.م.) البته باید دانست که این منافع متعلق به مالک مال است و صاحب حق انتفاع تنها می‌تواند از این منافع استفاده نماید. برابر ماده‌ی ۵۱ ق.م. در صورت تلف شدن مالی که موضوع حق انتفاع است، حق انتفاع منفسخ می‌گردد.

۳- تلف مال موضوع قرض پیش از تسلیم

در عقد قرض، قرض‌دهنده مقدار معینی از مال خود را (که معمولاً مقداری پول است) به شخص دیگر می‌دهد و گیرنده‌ی مال، مثل مال را مسترد می‌نماید و در صورت عدم امکان رد مثل مال، قیمت زمان رد مال را بپردازد. (ماده‌ی ۴۸ ق.م.)^۱

دوم) مرگ و حجر یکی از طرفین در عقود جایز

عقد جایز عقدی است که هر یک از طرفین بتواند هر وقت خواست آن را فسخ نماید. (ماده‌ی ۱۸۶ ق.م.) البته باید دانست که اصل در عقود لازم بودن آنها است. بنابراین عقود جایز هستند که قانون صریحاً به جواز آنها اشاره نموده باشد. عقد وکالت که عقدی جایز است زیرا طرفین عقد وکالت هر وقت بخواهند می‌توانند عقد وکالت را فسخ بنمایند.

با توجه به ماده‌ی ۴۹ ق.م. که تلف مال موضوع قرض را پس از تسلیم از مال مقترض می‌داند، فهمیده می‌شود که تلف مال پیش از تسلیم از مال مقترض است که موجب انفساخ عقد قرض می‌گردد و تعهد مقترض به دادن مثل یا قیمت مال مورد قرض را از بین می‌برد.

۴- از بین رفتن قابلیت انتفاع در عقد مزارعه و مساقات

علاوه بر این که هر یک از طرفین می‌تواند عقد جایز را فسخ کند، موت، جنون و سفه هر یک از طرفین موجب انفساخ عقد جایز خواهد بود. سفه حالت شخصی است که تصرف او در اموالش عاقلانه نباشد. جنون نیز حالت شخصی است که به دلیل اختلال قوای دماغی، فاقد اراده‌ی لازم برای انجام اعمال حقوقی است.

برابر ماده‌ی ۵۱۸ ق.م. مزارعه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (مزارع)، زمینش را برای مدت معینی به طرف دیگر (عامل) می‌دهد که در آن زراعت نماید. مزارع و عامل، حاصل زراعت را بین خودشان تقسیم می‌کنند. بنابراین در عقد مزارعه، مالک زمین در عوض دادن منفعت زمین (زراعت)، مالک سهم معینی از زرع می‌شود. در صورتی که در مدت مزارعه، زمین به علتی غیرقابل استفاده گردد و نتوان این علت را برطرف نمود، عقد مزارعه منفسخ می‌گردد. (ماده‌ی ۵۲۷ ق.م.) لذا تعهد عامل به دادن سهمی از زراعت به مزارع نیز به علت از بین رفتن قابلیت انتفاع زمین، از بین می‌رود.

البته در ماده‌ی ۹۵۴ ق.م. تنها به موت و سفه اشاره شده است اما با توجه به سایر مواد (مانند بند یک ماده‌ی ۵۵۱ و ماده‌ی ۶۷۸ ق.م.) جنون نیز از موارد انفساخ عقد جایز است. لذا به عنوان مثال در عقد وکالت در صورتی که هر یک از طرفین بمیرند یا سفیه یا مجنون شوند، عقد وکالت منفسخ می‌گردد.

عقد مساقات معامله‌ای است که بین صاحب درخت و عامل منعقد می‌گردد و عامل از درختان نگاهداری می‌کند و در مقابل سهم معینی از ثمره‌ی درخت، مال او می‌شود. ثمره شامل میوه، برگ گل و ... می‌شود. در عقد مساقات نیز از دست دادن قابلیت انتفاع درختی که نگاهداری از آن به شخص دیگری (عامل)

باید دانست که ورشکستگی یکی از طرفین عقد جایز، موجب انفساخ آن نیست، زیرا شخصی که دچار ورشکستگی می‌شود، برخلاف سفیه و مجنون هم‌چنان دارای اراده‌ی سالم است (کاتوزیان، ۱۳۸۶).

نکته‌ی دیگر این است که برخی عقود تنها از سوی یکی از طرفین قرارداد جایز است در حالی که از سوی طرف دیگر قرارداد لازم است. در این گونه عقود، مرگ، سفه یا جنون شخصی که عقد از طرف او جایز است موجب انفساخ عقد نمی‌باشد؛ زیرا در عقودی که از سوی هر دو طرف قرارداد جایز است اراده و

^۱ - ماده ۴۸ ق.م: «قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعدد رد مثل قیمت یوم‌الرد را بدهد.»

برای پیدا کردن مال گمشده، در حالی که پیش از آن، عامل آن را یافته است، با وجود این، چون در فرضی که دو طرف از وضع واقعی حادثه آگاه نیستند انشاء تعهد در قصد مشترک معلق است، عقد را معلق می نامند. توجیه دیگر که درباره تعلیق عنوان شد، این است که در قرار داد دو طرف می توانند امری را که در گذشته رخ داده است در رابطه خود در حکم آینده قرار دهند. ولی بهتر است گفته شود که دو طرف تعهد را مراعی به کشف واقع کرده اند. باید افزود که آنچه درباره تعلیق تعهد به وقوع امری در گذشته و حال گفته شد، ناظر به موردی است که دو طرف نسبت به وقوع آن امر، جاهل و در تردید باشند و گرنه، هر گاه بدانند که تعهد را برابر واقع شده معلق می کنند، تعلیق صوری است و اثر ندارد همچنین اگر قطع داشته باشند که تحقق نیافته است، تعهد ایجاد نمی شود؛ چرا که اراده جدی بر آفرینش آن نداشته اند (المراعی، ۱۴۱۷).

اما اگر تحقق یا عدم وقوع شرط در آینده معلوم نباشد. مانند اینکه تعهد به خرید مالی منوط به ازدواج خریدار یا برنده شدن در دعوی طرح شده یا درمان بیماری به وسیله او شود. در فرضی که محقق شرط در زمان آینده معلوم و معین است مانند «فرا رسیدن نوروز در آینده» در واقع تعهد موجب است نه معلق ولی درباره توصیف حقوق تعلیق تعهد به مرگ «موعد نامعلوم» اختلاف شده است.

در حقوق ما وصیت از مصداق های بارز تعلیق در تصرف است و تعلیق به مرگ طرف تعهد نیز تابع همین حکم است. در موردی هم که وقوع شرط در آینده محال است، تعهد موقوف به امری نمی شود؛ یعنی از آغاز به وجود نمی آید و به همین جهت تعلیق به محال را باید در حکم عدم دانست، خواه محال طبیعی باشد مانند «توقف حرکت زمین» یا قانونی باشد مانند «اخذ به شفعه به غیر شریک» (کاتوزیان، ۱۳۷۴)

همچنین اگر مربوط به شرایط وقوع عقد یا تعهد نباشد. در قوانین، وقوع عقد یا تعهد منوط به شرایطی شده است که باید از ارکان اصلی و داخلی آنها شمرده شود؛ در حالی که تعلیق به معنای خاص خود، منوط ساختن تعهد به وقوع امر خارجی و فرعی است. پس اگر عقد بیع معلق بر تراضی دو طرف یا وجود مبیع شود، نباید این را تعلیق واقعی و مورد بحث ما پنداشت. رابطه حقوقی باید قابلیت وقوع بدون شرط را نیز داشته باشد و تنها در این صورت است که تعلیق را باید از اعراض تعهد شمرد و در زمره ارکان اصلی یا جوهر تعهد نیابد.

خواست طرفین این است که در صورت حدوث موت، سفته و جنون، عقد منفسخ گردد اما در این عقود چنین تراضی و توافقی وجود ندارد. مثلاً در عقد رهن که از سوی شخص رهن لازم و از سوی شخص مرتهن جایز می باشد، مرگ، سفته یا جنون رهن موجب انفساخ عقد نخواهد بود.

ه) شرایط تحقق شرط انفساخ

چنان که ملاحظه شد، شرط فاسخ به منظور انحلال قرارداد و از بین بردن آثار آن واقع می شود، اما خود نیز مبتنی بر نوعی قرارداد است و به تراضی واقع می شود و همانند سایر قراردادها، در رابطه دو طرف اثر میکند. ویژگی شرط فاسخ در این است که به جای ساختن عقد، به انحلال آن می پردازد. به عبارت دیگر، اثر شرط فاسخ، انحلال قهری و خودبخود عقد است که حق انتخابی برای طرفین یا دادگاه نمیگذارد؛ لیکن، ماهیت عقد را از ابتدا حذف نمی کند و اثر آن نسبت به آینده است. (لشکری، ۱۳۸۵). برای تحقق شرط انفساخ، علاوه بر قواعد عمومی قراردادها (قصد و رضا، اهلیت طرفین، معلوم بودن عقد قابل انفساخ و مشروعیت جهت)، شرایطی اختصاصی لازم است که به طور مختصر به آن ها اشاره می شود.

۱- اناطه شرط به وقوع حادثه در آینده

تعلیق واقعی آن است که معلق علیه ناظر به آینده باشد و الاً چنانچه انعقاد عقد یا انحلال آن (شرط انفساخ)، منوط به حادثه ای گردد که طرفین میدانند در آینده قابل تحقق نیست، به لحاظ عدم وجود قصد واقعی، توافق باطل است. از طرف دیگر، اگر عقد منوط به امری شود که در زمان توافق واقع شده است، قصد طرفین بر انعقاد عقد به نحو منجز است (نائینی، ۱۳۷۳). بنابراین، اگر شرط مزبور مربوط به حادثه ای در زمان حال یا گذشته باشد، تعهد را معلق نمی کند حتی اگر در زمان انشاء سبب تعهد، دو طرف آگاه به وقوع آن نباشند. در این صورت هرگاه حادثه «معلق علیه» در زمان تراضی رخ داده باشد، باید عقد و تعهد را منجز شمرد و از زمان انعقاد مؤثر دانست. برای مثال اگر کسی تعهد کند بدهی دوست خود را بپردازد مشروط به اینکه تاکنون او نپرداخته باشد و بعد معلوم شود که بدهی باقی بوده است تعهد از آغاز تراضی به وجود می آید و معلق نیست. بر عکس، هرگاه معلق علیه در گذشته واقع نشده بود، تعهد نیز ایجاد نمی شود و هیچ گاه در حال تعلیق نیست. همچنین است تعهد جاعل به دادن پاداش به دیگری

۲- احتمالی بودن شرط انفساخ

مراد از وصف احتمالی بودن آن است که تحقق یا عدم وقوع شرط در آینده، معلوم نباشد. مسأله ای در این جا قابل طرح است که اگر معلق علیه، حصول مدت زمانی باشد، با توجه به این شرط که فقها و حقوقدانان در خصوص تعلیق واقعی مطرح نموده اند (شهیدی، ۱۳۷۷). آیا از شمول شرط تعلیق و بحث تعلیق در انحلال عقد خارج است؟ برای مثال، اگر خانه ای فروخته شود و در آن شرط شود که عقد پس از دو سال منحل گردد، در اینجا انحلال عقد انشا شد، اما اثرش معلق به گذشتن مدت دو سال است.

برخی حقوقدانان، این فرض را توقف انحلال عقد نامیده اند و آن را از تعلیق انحلال عقد جدا کرده اند اما به نظر میرسد، این تفکیک، فاقد اثر عملی است، زیرا آن چه مهم است این است که در هر دو مورد طرفین انحلال عقد را انشاء کرده اند، اما اثر آن که از بین رفتن عقد منوط به حصول معلق علیه شده است، اعم از این که معلق علیه امری محتمل باشد یا امری مسلم، مانند حصول یک مدت زمان. نظر دیگری نیز در این جا قابل طرح است که در فرضی که وقوع معلق علیه در آینده، حتمی و مسلم است، تعلیق وجود دارد اما نه تعلیق به معنای واقعی، اما این نظر نیز خالی از اشکال نخواهد بود.

۳- مدت دار بودن شرط انفساخ

شرط دیگری که برای اعتبار شرط فاسخ لازم است، قید مدت در شرط فاسخ است.

ماده ۴۰۱ قانون مدنی در خصوص خیار شرط مقرر می دارد: «اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد، هم شرط خیار و هم بیع باطل است». در مورد علت فساد عقدی که در آن خیار شرط با مدت مجهول آمده است، سه نظر متفاوت ارائه شده است:

۱- برخی بر این نظرند که اگر در عقد، خیار شرط بدون مدت قید شود، هم خود شرط و هم عقدی که متضمن این شرط است باطل خواهد بود، زیرا خیار شرط در عقود جایز که اساساً برای طرفین در هر موقعی حق فسخ موجود است، قابل تصور نیست، بنابراین استفاده از آن فقط در عقود لازم ممکن می باشد و اگر بنا باشد که در عقد لازمی خیار شرط قید شود بدون این که مدتی برای آن معین شده باشد، این شرط با مقتضای عقد که لزوم آن است مخالف بوده و در نتیجه، شرط هم باطل و هم مبطل عقد می باشد (عدل، ۱۳۷۳).

۲- برخی دیگر از حقوقدانان چنین استدلال نموده اند که وجود خیار شرط برای هریک از طرفین، سبب تزلزل مالکیت آن ها نسبت به مبیع و ثمن در مدت خیار میشود و مدت خیار در ارزش مورد معامله تأثیر می گذارد، هر چه مدت خیار بیشتر باشد از ارزش مورد معامله کاسته میشود و اگر مدت خیار مجهول باشد، معلوم نیست چه قدر از ارزش مورد معامله کاسته میشود. پس جهل به شرط، به مورد معامله سرایت می کند و مشمول بند دو ماده ۲۳۳ ق.م. (شرط مجهولی که سبب جهل به عوضین می شود)، بوده و در نتیجه، هم شرط و هم عقد باطل می شود (صفایی، ۱۳۸۴).

برخی از فقها نیز همین استدلال را دارند که شرط در عوض مؤثر است، مجهول بودن آن موجب جهل به یکی از عوضین و در نتیجه بطلان عقد می شود (طباطبائی، ۱۳۰۷)

۳- برخی دیگر با استدلالی مشابه استدلال قبلی معتقدند که علت بطلان عقد دارای خیار شرط فاقد مدت این است که ارزش مورد معامله، بر حسب این که طرف دیگر تاجه زمان اختیار فسخ داشته باشد، متغیر خواهد بود، بدین معنی که مثلاً هرگاه شخصی بخواهد، فرشی را که مبلغ هشتصد هزار ریال ارزش دارد، به دیگری بفروشد و تا یکسال برای خود حق فسخ شرط کند، مسلماً ارزش فرش در این وضعیت کمتر از هشتصد هزار ریال خواهد شد و به همین ترتیب هر چه قدر مدت خیار بیشتر باشد، ارزش مبیع کمتر خواهد شد، زیرا اشخاص، کمتر مایلند معامله ای انجام دهند که تا مدت زیادی متزلزل بوده و برای ثبات و قطعیت آن لازم باشد مدت زیادی انتظار بکشند و در صورتی که هنگام معامله، مدت خیار شرط تعیین نشود معامله مزبور غرری خواهد شد و معامله غرری باطل است.

۴- مقدور و مشروع بودن معلق علیه

در مواردی که تعلق منشأ یا انحلال قرارداد معلق بر شرطی شود که از نظر قواعد طبیعی یا حقوقی غیر ممکن است، به عنوان مثال تنجیز عقد یا انحلال قرارداد بیع منوط بر این شرط شود که مشروط له ماه را به زمین نزدیک کند، شرط باطل است. همچنین در صورتی که انجام شرط با نظم عمومی و اخلاق حسنه منافات داشته باشد، شرط و عقد هر دو باطل است.

۵- خارجی بودن معلق علیه

در نظام حقوقی ایران، حقوقدانان در باب عقد معلق یکی از شرایط تعلیق واقعی را خارجی بودن حادثه مورد نظر می دانند،

بدین معنا که چنانچه اثر عقد منوط به امری شود که به حکم قانون از شرایط صحت عقد است، قیدی بر آن افزوده نشده و تأکید بی فایده ای در باب اجرای قانون است. در خصوص شرط فاسخ نیز همانگونه که گفته شد، انحلال عقد منوط به حصول شرایطی فرعی و خارجی می شود که با تحقق آن عقد منحل خواهد شد. لذا در صورتی که انحلال عقد به عنوان مثال منوط به تلف مبیع قبل از قبض شود، تعلیق واقعی نیست و فایده ای برای آن قابل تصور نخواهد بود.

ی) آثار شرط فاسخ در بیع سنتی و الکترونیکی

در نظام حقوقی ایران شرط فاسخ به عنوان یکی از اسباب انحلال قرارداد مورد پذیرش واقع شده و اثر آن انحلال قهری قرارداد است، بدین معنا که در قرارداد مشروط به شرط فاسخ، اثر قرارداد بلافاصله پس از انعقاد آن به طور منجز ایجاد می شود و صرفاً انحلال عقد و زوال تعهدات و الزامات ناشی از آن به تحقق شرط مورد نظر معلق و وابسته است.

قبل از حصول واقعه موجب انفساخ، عقد تمام آثار خود را دارد، بدین معنا که در عقود تملیکی مستفاد از مواد ۳۶۴ و ۴۵۹ق.م. تملیک از حین انعقاد عقد صورت می گیرد.^۱ در عقود عهدی نیز قبل از تحقق واقعه موجب انفساخ عقد، تمام آثار عقد عهدی ایجاد می شود و درج این شرط مانع از ایجاد تعهدات از زمان عقد تا زمان حصول معلق علیه نمی شود. به عنوان مثال، در صورتی که دیون ناشی از عقد قبل از حصول معلق علیه ایجاد شده باشد، رهن دادن بابت چنین دینی و ضمان از آن صحیح است و می تواند مشمول اسباب سقوط تعهد از قبیل تهاتر و... قرار گیرد. حال در صورتی که متعهد با انجام فعل یا ترک فعلی از تحقق معلق علیه جلوگیری نماید، به نظر می رسد باید میان دو فرض قائل به تفکیک شد :

فرض اول ناظر به حالتی است که متعهد ناخواسته و به صورت غیرعمد مانع وقوع معلق علیه شرط فاسخ شده است. بدیهی است در این حالت نمی توان به بهانه این اقدام عقد را پابرجا دانست و تعهدات و دیون ناشی از عقد را همچنان بر متعهد تحمیل نمود؛ چرا که در این وضعیت، بقای عقد نفعی را عاید متعهدله می کند که توازن قراردادی را بر هم زده و

تعهداتی که به ضرر متعهد است بر وی تحمیل شده است. اما فرض دوم ناظر به حالتی است که متعهد تعمداً یا در اثر تقصیر سبب عدم تحقق معلق علیه می شود. به نظر می رسد در چنین حالتی نیز بقای عقد با اصل حاکمیت اراده در تعارض باشد؛ چرا که آنچه مد نظر طرفین بوده، انحلال قرارداد پس از گذشت مدت قابل پیش بینی عرفی و با تحقق معلق علیه بوده. بنابراین، در این فرض نیز که معلق علیه تحقق نیافته، اگرچه از نظر حقوقی ممکن است حکم به انفساخ قرارداد غیر منطقی باشد، از آنجا که عالم حقوق عالم اعتباریات است، می توان اینگونه تصور نمود که عقد در زمانی که طرفین قبل از انعقاد قرارداد مدنظر داشته اند، منفسخ می شود و آثار آن قطع خواهد شد، اگرچه از نظر حقوقی معلق علیه تحقق نیافته است.

انحلال غیر ارادی قراردادی انحلال قهری

علاوه بر اینکه طرفین قرارداد می توانند عقد را منحل کرده و موقعیت خود را به حالت قبل از عقد اعاده نمایند وقوع برخی از اتفاقات خارج از اراده طرفین نیز باعث انحلال عقد می گردد. در مورد قراردادهای الکترونیکی نیز امکان اجرای این قواعد به طور کلی وجود دارد و نمی توان به دلیل الکترونیکی بودن اینگونه قراردادها از اجرای عموماً حقوق اجتناب نمود. همچنان که ماده ۳۹ قانون تجارت الکترونیکی این موضوع را مورد تأیید قرار داده است. بر این اساس باید قبول نمود که اجرای قواعد کلی انحلال عقود به واسطه حوادث قهری یا تلف موضوع معامله یا عدم امکان اجرای تعهد توسط متعهد در قراردادهای الکترونیکی نیز امکان پذیر می باشد.

فسخ

از بین بردن حیات قرارداد می تواند ناشی از یک اراده باشد و این اراده می تواند قدرت انحلال عقد را از اراده طرفین یا از قانون دریافت نماید. به هر نحوی که اراده یکی از طرفین دارای این توانایی باشد باید از اصول حاکم بر انحلال قراردادها تبعیت نماید. فسخ یکی از اسباب سقوط تعهدات و گونه ای از انحلال قرارداد می باشد انحلال قرارداد یا عقده گاه به تراضی طرفین انجام می یابد که آن را اقاله گویند. گاهی قهری و به حکم قانون است که انفساخ نام دارد و زمانی با ارائه یک طرف می باشد که همان فسخ است. با استفاده از مقررات قانون مدنی، فسخ را می توان چنین تعریف نمود: «فسخ عبارتست از پایان دادن به هستی حقوقی قرارداد به وسیله یکی از دو طرف یا شخص

^۱ - ماده ۳۶۴ بیان می کند: «در بیع خیاری مالکیت از حین عقد بیع است نه از تاریخ انقضاء خیار...»، و ماده ۴۵۹ نیز بیان می کند: «در بیع شرط به مجرد عقد مبیع ملک مشتری می شود با قید خیار برای بایع...».

ثالث» (شهیدی، ۱۳۸۲).

به‌خصوص بر اساس قانون فورس ماژور از اسباب انحلال قرارداد محسوب نشود. علاوه بر این اگر طرفین بتوانند به نحوی تبعات فورس ماژور را کاهش دهند دیگر نمی‌توان به قطعیت از انحلال قرارداد سخن گفت چراکه بخشی از عدم ایفای تعهد قراردادی که به اهمال آن‌ها مربوط بوده است از دامنه فورس ماژور خارج است.

در قراردادهای ممکن است تنها بخشی از تعهدات قراردادی به استناد فورس ماژور ساقط شود و بخش دیگری از قرارداد که تحت تأثیر رویداد نبوده همچنان قابل اجرا باشد که در این صورت تنها یک قسمت از قرارداد منحل می‌گردد.

بعد از انحلال قرارداد به دلیل قهری یا ارادی، وضعیت طرفین عقد به حالت پیش از قرارداد بر می‌گردد به نحوی که باید اینگونه انگاشت قراردادی بین طرفین منعقد نگردیده است. با این حال پذیرش برخی از آثار قرارداد پیشین غیر قابل اجتناب خواهد بود. بر همین مبنا در این مبحث سعی می‌گردد آثار انحلال قرارداد بیع الکترونیکی به صورت مختصر مورد بررسی قرار گیرد.

در قراردادهای الکترونیکی با توجه به شرایط خاص اینگونه قراردادهای و انعقاد قرارداد عموماً از راه دور، در صورت تحقق انحلال قرارداد به دلیل اعمال حق انصراف یا هر دلیل دیگری به مثابه عقود سنتی وضعیت طرفین به حالت پیش از عقد اعاده می‌گردد. بر همین مبنا باید به این نکته توجه نمود که انحلال قرارداد بر مبنای حق انصراف یا بر مبنای سایر قواعد حقوقی دارای آثار متفاوتی خواهد بود. چرا که در تحقق انحلال به واسطه قواعد عام حقوقی رعایت آثار همان قواعد الزامی است در حالی که انحلال قرارداد به واسطه اعمال حق انصراف آثار ویژه خود را خواهد داشت. بدون شک اعمال خیار حق انصراف منتج به آثار خاصی می‌گردد که نمی‌توان این آثار را در خصوص سایر عناصر انحلال یافت. بر همین اساس در خیار حق انصراف در واقع خیار به معنای واقعی محقق نیست بلکه قبل از انعقاد قرارداد خریدار نسبت به قبول مورد معامله اعلام انصراف می‌نماید. حال باید توجه داشت که خیار انصراف نسبت به مورد معامله نظر دارد نه نسبت به عقد از سوی دیگر هر مورد معامله شامل این قاعده نمی‌گردد بلکه فقط برخی از اقلام مشمول این حق می‌شوند (ماده ۴۲ ق. ت. الکترونیکی). با این حال باید توجه داشت که مسوولیت گیرنده کالا قبل از ارسال آن به فرستنده تابع قواعد عام خواهد و به استناد حقوق خاصه ای که قانون مذکور در این باب ارائه نموده است نمی‌توان مسبب زیان دیگری شد. پس باید اعلام نمود که در صورت تلف کالا یا تحقق عیب در آن گیرنده کالا مسئول خواهد بود مگر اینکه

آثار انحلال در قرارداد الکترونیکی

انحلال قرارداد به هر شیوه‌ای که روی دهد نسبت به تعهدات گذشته مؤثر نیست و تنها نسبت به تعهدات آینده کارکرد دارد و این بدان معنا است که هر تعهدی که تا قبل از انحلال قرارداد متوجه طرفین بوده باید تمام و کمال اجرا شود ولی تعهدات بعدی پابرجا نبوده و طرفین نسبت به آن مسوولیتی ندارند. هرچند در مواردی این امکان وجود دارد که طرفین قرارداد برخلاف این موضوع توافق کنند و مسوولیتی را برای وضعیت انحلال قرارداد پیش‌بینی نمایند اما این شروط نباید مخالف با اصول حاکم بر قرارداد باشد.

انحلال قرارداد به استناد فورس ماژور

مشکلات امروز در جهان موضوع فورس ماژور را
به‌عنوان یکی از موضوعات مؤثر بر تعهدات قراردادی به چالشی تبدیل کرده است اما باید دید که چگونه فورس ماژور می‌تواند به انحلال قرارداد منجر گردد.

منظور از فورس ماژور یا قوه قهریه غیرقابل پیش‌بینی حوادثی است که رخ دادن آن‌ها انجام تعهدات قراردادی را مختل می‌کند و از طرفی طرفین رابطه قراردادی با بیشترین تلاش خود نیز نمی‌توانستند از بروز آن جلوگیری کنند؛ همان‌گونه که از نام فورس ماژور به معنای قدرت برتر استنباط می‌شود یکی از عوامل اجتناب‌ناپذیر در عدم امکان اجرای تعهد قراردادی یا تأخیر در اجرای تعهد قراردادی است که دامنه گسترده‌ای از عقود را در برمی‌گیرد هرچند در برخی قراردادهای صراحت قانونی وجود دارد که موضوعی را از دامنه شمول آن خارج سازد. به‌عنوان مثال در قراردادهای کاری فصلی، تعطیلی موقت کارگاه با توجه به ماهیت غیردائمی بودن کار از مصادیق فورس ماژور یا حوادث غیرقابل پیش‌بینی محسوب نمی‌گردد بنابراین کارگران فصلی از برخی مزیت‌های حاکم بر وضعیت فورس ماژور بهره نمی‌برند.

فورس ماژور تنها در صورتی از موارد انحلال قرارداد است که ایفای تعهد قراردادی را به‌صورت دائمی غیرممکن سازد بنابراین در قراردادهایی که طرفین مسوولیت‌های متقابل دارند که اصطلاحاً قرارداد معوض نام دارد تعهد هر دو طرف ساقط می‌شود بدون اینکه عدم ایفای تعهد قراردادی برای آن‌ها مسوولیت قراردادی به وجود بیاورد و طرف مقابل بتواند مطالبه خسارت کند مگر آنکه در قرارداد به‌صراحت یکی از طرفین یا هر دو مسوولیت فورس ماژور را پذیرفته باشند یا در یک قرارداد

اثبات نماید عامل قاهره منجر به این زیان گردیده است. اعمال قواعد عام در قرارداد الکترونیکی به عنوان اصل پذیرفته شده است با این شرط که با حقوق خاصه مصرف کننده که بر اساس قانون تجارت الکترونیکی مقرر گردیده در تعارض نباشد.

نتیجه گیری

قراردادهای الکترونیکی بواسطه اینترنت جزو قراردادهای تابع اصول و قواعد عمومی شناخته میشود. سازگاری و مطابقت مفاهیم لفظی و عرفی قواعد حقوقی قراردادها با مفاهیم فنی محیط الکترونیکی، تحدید حقوق و اختیارات طرفین در حمایت مصالح و حفظ تعادل منافع خود در قراردادهای منعقد بواسطه اینترنت و ضوابط حاکم بر روشهای متعدد و ایفای تعهدات بواسطه محیط اینترنت از جمله مسائلی است که انعقاد قرارداد های الکترونیکی بواسطه اینترنت را با تردید و تامل مواجه ساخته است. سبب عمده آن بر می گردد به اینکه زیادی از مفاهیم و مقررات قانون تجارت الکترونیکی حاکم بر قراردادهای الکترونیکی فاقد هر گونه پیشینه عرف و عادت و یا نیازهای اجتماعی و اقتصادی در کشورمان بوده است و نسبت به مفاهیم حقوقی سائد در منابع حقوقی کشورمان نسبتا وجه نامانوس دارد. گرچه قانون تجارت الکترونیکی با محتوای خاص خود ظاهرا تعارضی با قواعد و مقررات عمومی قوانین مدنی و تجاری ندارد ولی با این وجود، انسجام و اندماج چندانی نیز با مفاهیم و مقررات شکلی و فنی منابع قانونی مانند قوانین مدنی و تجاری ندارد و منفذی بسی محدود در تطبیق این قواعد بر مسائل حقوقی قراردادها در تجارت الکترونیکی تلقی می گردد.

از مطالعه قراردادهای الکترونیک نتایج زیر حاصل می شود :

۱- قراردادهای الکترونیک از جمله عقود بین غائبین است و حتی می توان گفت اطلاق این عنوان برای چنین قراردادهایی از اثر بیشتری نسبت به عقود مکاتبه ای برخوردار است زیرا در قراردادهای الکترونیک برخلاف عقود مکاتبه ای ممکن است طرفین همدیگر را نشناسند و هیچگاه نیز همدیگر را ندیده باشند. اگرچه در قانون مدنی ایران اشاره ای به عقد بین غائبین نشده ولی این نوع عقود صحیح و معتبر هستند.

۲- اعلام اراده از طرفین واسطه های الکترونیک معتبر و در ایجاد ماهیت حقوقی مؤثر است. زیرا قانون مدنی ایران در خصوص اینکه روش اعلام اراده چگونه و به چه وسیله ای باید باشد طریق خاصی را لازم ندانسته است. ماده ۱۹۱ قانون مدنی به طور مطلق همراه بودن قصد را با چیزی که دلالت بر آن کند شرط تأثر قصد اعلام کرده و از قصد یا وسیله خاصی برای دلالت قصد نام نبرده است. بنابراین ایجاب و قبول می تواند از

طریق داده پیامها اعلام شود و از اعتبار حقوقی لازم برخوردار باشد. به عبارت بهتر ماهیت دیجیتال یا مجازی توافق طرفین از نظر تحلیل حقوقی صحیح بوده و منع قانونی ندارد.

۳- اگرچه قراردادهای الکترونیک به طور کامل در یک فضای مجازی و غیر ملموس منعقد می شوند ولی ماهیت حقوقی را نمی توان از زمان و مکان منفک ساخت. در نتیجه این نوع قراردادها نیز به مختصات زمان و مکان محدود هستند. با وجود اینکه قانون تجارت الکترونیک ایران در مورد زمان و مکان وقوع عقد ساکن هستند لیکن مقررات ویژه ای را در خصوص زمان و مکان ارسال و وصول دادهها پیامها پیش بینی کرده که طبق مقررات مذکور زمان تشکیل قرارداد الکترونیک لحظه وصول داده پیام های حاوی قبول است.

۴- اسناد قرارداد الکترونیک که مبتنی بر داده پیامها می باشد از همان اعتبار اسناد کاغذی برخوردار هستند. طبق ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک ایران هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون درست باشد داده پیام در حکم نوشته است. بنابراین اسناد الکترونیک در حکم اسناد کاغذی و در محاکم قابل اسناد هستند. در خصوص اینکه آیا داده پیامها در حکم سند عادی یا رسمی هستند ، قانون تجارت الکترونیک پاسخ صریحی ندارد ولی چون ماده ۱۴ همین قانون از عبارت در حکم اسناد معتبر و قابل استناد استفاده کرده ، بنابراین می توان گفت قانون گذار بیشتر به سند رسمی تمایل داشته است.

۵- اسناد الکترونیک برای اینکه دارای اعتبار باشند باید همانند انواع کاغذی خود دارای امضاء باشند. چنانچه امضای الکترونیک با لحاظ شرایط ایمنی و فنی آن به داده پیامها منضم گردد ، اسناد الکترونیک از نظر حقوقی هم عرض اسناد مکتوب خواهند بود.

۶- امضای الکترونیک در قانون تجارت الکترونیک ایران به عنوان یکی از اعمال دارای آثار حقوقی همسان با امضای دستی ، مورد پیش بینی قرار گرفته است. طبق ماده مذکور هرگاه قانون وجود امضاء را لازم بداند امضای الکترونیک مکفی است. با فراهم شدن زیر ساختهای فنی امضای الکترونیک مطمئن ای که قانون برای آن در نظر گرفته است ، می توان گفت امضای الکترونیک از حیث آثار حقوقی هیچ تفاوتی با سایر امضاهای دستی ندارد.

پیشنهادات

در عمل راه حلی که می توان پیشنهاد داد به تنهایی یک راه حل حقوقی نیست باید کوشش کرد اقتصاد کشور را پویا و قدرتمند نمود تا بتوان با قدرت در قراردادها ظاهر شد و تا

تحقق این مهم، برای کمک به تجار و تجارت بهتر است قانون کشور بی طرفی را شناسایی و در قراردادهای بین المللی حاکم قرار دهیم و یا به وسیله شرط ضمن عقد امنیت قرارداد را تضمین کنیم. تا با نگرانی و جهل به سمت انعقاد قراردادی که در صورت بروز مشکل ندانیم چه پیش رو داریم نرویم.

ایرادهای متعدد حقوقی به قوانین اعم از قانون تجارت الکترونیکی ایران و سایر کشورها و نیز قوانین نمونه آنسترال وارد است. اعتبار سنجی سندهای الکترونیک با محک های میزان ثبات پذیری، دوام و قابلیت انتساب آنها با توجه به مقررات وضع شده در خصوص امضاهای مطمئن نقایص قوانین را در برخی موارد مهم نشان میدهد. نکته مهم دیگر، تناسب داشتن مفاد اسناد الکترونیک با شیوه ایمنی به کار گرفته شده در تولید آنها است که گرچه میتواند به عنوان اماره و در اختیار قاضی شناخته شود، ولی نمی تواند به عنوان یک اصل در قوانین ذکر گردد که حتی با عدم اختلاف طرفین دعوی در آن زمینه، قانون آن را به صورت حکم آمره، بی اعتبار بشناسد.

مسأله لزوم ارائه اصل سند به عنوان دلیل اثبات به ویژه در مواردی مانند اسناد تجاری که اصل آن مقوم تعهد نیز هست، و یا در بارنامه دریایی که بدون ارائه اصل امکان تحویل کالانیست، خلأیی را موجب شده است که علیرغم تصریح قوانین به اعتبار نسخه الکترونیک به جای کاغذی، عملاً باقی مانده و تجار به حسب معمول تمایل ندارند با خطر کردن، پول یا کالا را به اشخاصی تحویل دهند که نسخه ای الکترونیک را ارائه میدهد در حالی که امکان دارد همانند آن در اختیار دیگران نیز باشد. موارد مزبور حاکی از ناتوانی سطح فن آوری روز در پاسخ به استانداردهای دقیق حقوقی است.

طرح مسائل مذکور ناشی از ویژگی خاص محیط انجام قراردادهای الکترونیک است که حتی در بسیاری از موارد وضع قواعد جدیدی را نیز طلب نمی کند بلکه با تحلیل و بررسی قواعد موجود نیز می توان برای چالشهای مطروحه حقوقی قراردادها در فضای مجازی، پاسخ مقتضی را یافت و حتی المقدور از وضع قوانین جدید در این عرصه پرهیز کرد. آنچه که گفته شد بدان معنا نیست که محیط جدید بستر مبادلات الکترونیک بی نیاز از وضع قوانین و مقررات جدید باشد. باید پذیرفت که اینترنت به عنوان محل انجام روابط حقوقی افراد، دارای ویژگیهایی است که در فناوریهای پیش از ظهور اینترنت وجود نداشته است. به همین دلیل تحولات و تغییرات ایجاد شده در روابط حقوقی و معاملاتی افراد مورد توجه و پذیرش نظامهای حقوقی قرار گرفته و بیشتر به آنها برای ایجاد چارچوب قانونی و بسترسازی تقنینی اقدام به وضع قوانین و

مقررات جدید یا اصلاح قوانین موجود کرده اند. قواعد حاکم بر قراردادهای الکترونیک مفاهیم جدیدی را که مستلزم وضع قواعد اختصاصی و ویژه باشند، به وجود نیاورده است. آنچه که از تأثیر فن آوری اطلاعات بر حقوق می توان از آن نام برد تحول در مصادیق است نه تحول در مفاهیم. بنابراین، قواعد حاکم بر قراردادهای الکترونیک نیز در واقع انعکاسی از قواعد عمومی قراردادها است که با فضای مجازی و الکترونیک بستر انجام آنها تطبیق داده می شود. قوانینی هم که در خصوص تجارت الکترونیک وضع شده اند (از جمله قانون تجارت الکترونیک ایران) هدفشان تأسیس قواعد حقوقی جدید و اختصاصی نبوده است بلکه این نوع قوانین در واقع به رسمیت شناختن ابزارهای نوین الکترونیک در روابط حقوقی و معاملاتی افراد هستند که به نظر ایجاد چارچوب قانونی برای جلب اعتماد عمومی و تنظیم روابط افراد وضع شده اند.

منابع

- ابن منظور، امام العامه، (۱۴۰۸)، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، جلد اول، ص ۴۴۸.
- ابهری، حمید؛ و سام محمدی؛ و زینب افچنگی (خادمی)؛ (۱۳۹۰)، اعتبار شرط انفساخ و شرایط تحقق آن در حقوق ایران و فقه امامیه، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲، سال چهل و چهارم.
- امامی، سیدحسن؛ (۱۳۵۵)، حقوق مدنی، جلدیک، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی؛ (۱۳۸۴)، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد یک، تهران، انتشارات محراب فکر، چاپ اول.
- انور، سلطان؛ (۱۹۸۳)، احکام الالتزام، المرجز فی النظریه العامه للالتزام، لبنان، بیروت، دارالنهضه العربی، جلد یک، صص ۶۲، ۷۰.
- باقری، لعیا، صفوی، مجید، میرلی، صالح، قانون حاکم و زمان و مکان انعقاد قراردادهای الکترونیک در حقوق ایران و آمریکا، نشریه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۱۳۹۹، ص ۳۰۹.
- بروجردی عبده، محمد؛ (۱۳۲۹)، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی محمد علی علمی، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۷۸)، مسوط در ترمینولوژی، دوره پنج جلدی، تهران، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۸۲)، فرهنگ عناصرشناسی،

قاسم‌زاده، مرتضی؛ (۱۳۸۳)، اصول قراردادها و تعهدات، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۶۶)، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۱)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع، نشر میزان، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۰)، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد پنجم، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ نجم.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۷)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، انحلال قرارداد، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۸)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: جلد یک، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۷۴)، حقوق مدنی نظریه عمومی تعهدات، تهران، نشر یلدا، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۵)، نظریه عمومی تعهدات، تهران، میزان، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۶)، اعمال حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوازدهم.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۷)، عقود معین، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم.

کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۹۰)، عقود معین، جلد سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم.

المراغی، عبدالفتاح بن علی؛ (۱۴۱۷)، عناوین، قم، موسسه النشر الاسلامی، پنجم، چاپ ششم،

نائینی، میرزا محمدحسین؛ (۱۳۷۳)، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب (تقریرات نائینی تألیف شیخ موسی خوانساری)، جلد دوم، تهران چاپخانه حیدری.

یزدانیان، علیرضا؛ (۱۳۸۶)، شرط فاسخ در حقوق ایران و فرانسه، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم اسلامی (سمت) و دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مؤسسه حقوق تطبیقی.

تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ (۱۳۵۷)، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج یک، تهران، انتشارات بنیاد استاد، چاپ اول.

جوادی، حسین، انحلال قراردادهای الکترونیکی در حقوق مدنی و کیفری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، هفتمین همایش ملی و اولین همایش بین المللی تجارت و اقتصاد الکترونیکی، ۱۳۹۹.

خدای، داود؛ (۱۳۹۱)، پایان نامه ماهیت حقوقی شرط فاسخ در قراردادها، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، دانشکده علوم انسانی، گروه علمی: حقوق خصوصی.

درودیان، حسنعلی؛ (۱۳۸۹)، تقریرات درس مدنی ۳، قواعد عمومی قراردادها، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، صص ۳ و ۴.

دهخدا، علی اکبر؛ (۱۳۷۳)، لغت نامه، دوره چهاردهم، جلدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

رضی، پوریا؛ و میثم رامشی؛ و علی باقری؛ (۱۳۹۶)، بررسی فقهی حقوقی شرط فاسخ و آثار دخالت متعهد در عدم تحقق معلق علیه، دوفصلنامه علمی ترویجی مطالعات فقه امامیه، سال پنجم، شماره ۸.

ستوده تهرانی، حسن؛ (۱۳۷۵)، حقوق تجارت، نشر دادگستر، چاپ دوم.

شهیدی، مهدی؛ (۱۳۸۲)، اصول قراردادها و تعهدات، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول.

شهیدی، مهدی؛ (۱۳۷۷)، تشکیل قرار دادها و تعهدات، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول.

شهیدی، مهدی؛ (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، (سقوط تعهدات)، انتشارات مجد، چاپ پنجم.

صفایی، سید حسین؛ (۱۳۸۴)، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، انتشارات میزان، چاپ سوم.

طباطبائی، سید علی، (۱۳۰۷) ریاض المسائل، قم، چاپ سنگی، احمدآقا، چاپ ششم.

عدل، مصطفی؛ (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، به کوشش محمدرضا بندرچی، انتشارات بحر العلوم، چاپ اول.